**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و هفتم\_16 اردیبهشت1399**

در جلسات گذشته هم معنای کشف بیان شد و هم معنای حکومت. نوبت به این رسید که اگر قائل به کشف شدیم چنان که اگر قائل به نقل شدیم، با سه سوال روبرو هستیم، خوب عنایت بفرمایید. سوال اول، آقای قائل به کشف که می گویی در فرض انسداد شارع مطلق ظنون را حجت کرده است، و نیز آقای قائل به حکومت که می گویی در فرض انسداد عقل حاکم است به حجیت ظنون.

سوال اول من این است که این ظن در هر موردی از موارد باشد، متعلق ظن، مساله ایی که ظن به آن تعلق گرفته است، هر چه که باشد، در هر جای فقه یا تفاوت می کند؟ جواب بدید جناب آقای قائل به کشف و قائل به حکومت.

سوال دوم من از قائلین به کشف و نیز قائلین به حکومت این است که حالا که بنا شد ظنون حجت باشد از هر سببی که این ظنون حاصل شود فرقی نمی کند یا شما در مورد سبب این ظنون شرائطی محقق می دانید، نکته دارید، هر سببی را در اینجا برایش تاثیر در ظن حجت نمی بینید؟ کدام ظن؟ ظنی که از این سبب یا از آن سبب؟ یا نه از مطلق اسباب. این را هم باید قائل به کشف و قائل به حکومت جواب بدهد.

سوال سوم این است که آقای قائل به کشف و قائل به حکومت، ظنون مراتبی دارد به تعبیر بنده از 51 تا برو 99. همه این مراتب حجت می شود یا مراتب بالای ظنون حجت می شود؟ چه پاسخی دارید؟

شیخ اعظم در پاسخ این پرسش می فرماید:

1. چه قائل به کشف باشیم و چه قائل به حکومت باشیم، فرقی از حیث مورد و متعلق ظن و آن فروع و آن موارد نیست. چون قائل به کشف می گوید مدرک شرعی من اجماع قطعی است و این اجماع دلالت دارد که ظنون حجت است و هیچ فرقی هم بین ابواب فقه نیست. و قائل به حکومت هم می گوید وقتی عقل حکم می کند به حجیت ظنون در فرض انسداد فرقی نمی گذارد بین بابی و بابی، مساله ایی و مساله ایی. ظن را حجت می کند و متعلق ظن هر چه که باشد باشد. البته الان در فقه را درایم می گوییم. بحث مسائل اعتقادی و ظن در اصول این ها بعدا بحث می شود. در فقه فرقی نمی کند. تعبیر شیخ را دیروز دقت کردید که اجماع قطعی داریم که عمل به ظن لا یفرق فیه بین ابواب الفقه. یا واجبات فروع ومحرمات فروع، فرقی نمی کند، این مطلب اول.
2. مطلب دوم شیخ این است که اگر ما قائل به حکومت شدیم، من حیث الاسباب، تعمیم می دهیم و کلیت را قائل می شویم. اگر قائل به حکومت بشویم. چرا؟ چون عقل که حاکم در باب اطاعت و عصیان است. فرقی نمی گذارد در باب اطاعت ظنیه بین اثباب ظن، از هر راهی حاصل بشود، بلکه عقل ظنون را از این جهت که از نظر سبب لا بشرط است، فرقی برایش نمی گکند مثل علم می داند، چطور در علم فقط انکشاف مطرح است، منتها انکشاف تام. در ظنون همین است. این مطلب دوم.
3. اگر ما قائل به حکومت شدیم، از حیث مرتبۀ انکشاف قوتا و ضعفا، دیگر تعمیم و کلیت را نمی دهیم. عبارتی دارد در تقریرات مرحوم شیخ، مطارح الانظار، جلد 3، ص 250؛ می گوید:

لا ینبغی الارتیاب فی أنّ العقل یفرق مراتب الظنون فی شدة و الضعف.

فرق می کند دیگر. چرا؟ چون ما نمی توانیم به آن طرق شرعیه عمل کنیم اما لازمه اش این نیست که فرق نگذاریم بین ظنی که در حد اطمینان محض است با ظنی که پایین تر است، این ها با هم فرق دارد، عبارت مطارح را تکرار می کنم تا این جمع بندی هم برایمان بشود:

نعم لا ینبغی الارتیاب فی أنّ العقل یفرق مراتب الظنون فی شدة و الضعف.

پس نتیجه این مطلب و مطلب قبلی ، مطلب دوم و سوم این می شود که:

فالظن القوی و الشدید من أی سبب حصل هو موضوع حکم العقل

ظن قوی و شدید معیار است ولی از هر راهی حاصل بشود. این را خوب درش دقت کنید تا من بعدا فرق مسلک اضطرار را با این بیان کنم.

فالظن القوی و الشدید من أی سبب حصل هو موضوع حکم العقل بلزوم اطاعت.

1. اگر ما قائل به کشف شدیم، هم از جهت اسباب اهمال هست، و هم از جهت مرتبه در صفحه 34 مطارح این است:

لأنّ العقل حینئذ کاشف عن جعل طریق ظنی من الشارع فی الجملة من غیر بیان لسبب فیه فیحتمل أن یکون الطریق بعد الإنسداد مطلق الظن او بعض اقسامه باعتبار السبب او المرتبة فیحتاج القائل بمطلق الظن علی هذا التقدیر الی مقدمة اخری تعمّ جمیع الظنون

عبارت این جا و عبارت یک خطی وسائل که این است:

و أمّا التقریر الاول فالاهمال فیه ثابت من جهة الاسباب و من جهة المرتبة

عبارت رسائل، عبارت مطارح را بخواهم خلاصه کنم برایتان این است که اگر زماممان را دادیم دست شارع که عقل می گوید شارع باید یک چیزی را در فرض انسداد حجت کند به نام ظنون. خب اینجا شارع به جز اینکه عقل بگوید شارع طریقی را باید جعل کند، چیز دیگری را ندارد، فی الجمله است. آیا از هر راهی؟ در هر درجه ایی؟ حالا اگر شما بخواهید این را به مطلق ظنون از حیث سبب، از حیث مرتبه سرایت بدهید، یک نکته دیگری نیاز دارید، مقدمه دیگری نیاز دارید.

پس مشاهده شد که بنابر کشف، بنابر حکومت، نتیجه متفاوت است، دیروز این عبارت و اما التقریر الاول فالاهمال فیه ثابت را خیلی گذارا معنا کردم، امروز مفصل تر رویش ایستادم. حجت حرف امروز است در این کلمه «و أمّا التقریر الاول فالاهمال فیه ثابت من جهة الاسباب و من جهة المرتبة»

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.